



ساسان کوریبی

با شرایط به وجود آمده در واشنگتن و سیاست دیگر دولت بایدن در صحنه دیپلماتیک البته کسانی متوقع بودند بازگشت ایالات متحده به برجام نیز مانند بازگشت به معاهده آب و هوایی پاریس و امثال آن به سرعت و با صدور دستورات اجرایی متناسب در روزهای نخست صورت پذیرد. اما همان طور که امروز معلوم همگان شده برجام به واسطه همان حساسیت‌هایی که مذاکرات مربوط به آن را مطول کرده بود برای تمام طرف‌های بازی چونان گلوله‌ای از آتش است که معادلات دیگری را اقتضای کند، بنابراین روند این بازگشت که تنها یک امضا نیست بلکه یک سلسله‌اقدامات موثر را از طرفین طلب می کند امروز به کندی و با موانع زیاد به پیش می‌رود.

موانعی که دولت ایالات متحده در بازگشت موثر به برجام و رفع تحریم‌ها با آن مواجه است متنوع هستند. ■ سیاست داخلی: با توجه به ساختار سیاسی ایالات متحده و لزوم تایید بسیاری از افراد در سمت‌های بالای دولت جدید توسط کنگره و نیز حساسیت برانگیز بودن برجام در کنگره میان اکثر قریب به اتساق جمهوری خواهان و نیز سده‌ای از دموکرات‌ها، بازگشت فوری به برجام و تعامل با ایران می‌تواند دولت بایدن را از همین ابتدا و در تایید صلاحیت افراد با مشکلی واقعی روبرو کند. بنابراین بایدن و حلقه اول او تلاش کردند موضوع را تا عبور از این معبر معلق نگه داند.

■ سیاست منطقه‌ای: واضح است که دو شریک منطقه‌ای ایالات متحده یعنی اسرائیل و عربستان سعودی تمام تلاش خود را برای در گوشه قرار داشتن ایران و بنابراین باز نگشتن بایدن به برجام می‌کنند؛ گویی که باید اذعان کرد رفتار دولت تازه واشنگتن با این دو شریک مصداق بارز افزایش فاصله آمریکا از ایشان در دوران دموکرات‌های کنونی (کوی اواما و حالا تیم بایدن) است اما در هر حال نمی‌توان از فشارهای مستقیم و غیرمستقیم این دو بازیگر لای‌های ایشان در آمریکا و اروپا به دولت تازه آمریکا صرف نظر کرد. ■ دیگر بازیگران: حساسیت‌های سیاسی اقتضای کند که بایدن به عنوان یک سیاستمدار حرفه‌ای از اهرم‌های در دست تا حدی استفاده کند. بنابراین تأنی بیشتر در مورد برداشتن تحریم‌های ایران هم کنشی عقلانی به نظر می‌رسد و هم بایدن را در توجیه اعمال بعدی احتمالی - یعنی بازگشت به برجام و لغو تحریم‌ها- کمک می‌کند و نیز از نظر تبلیغاتی کار را در به توافق برگشتن با ایران برای او بزرگ تر نشان می‌دهد.

■ از سمت دیگر بایدن و تیمش احتمالا از اراده سیاسی در ایران برای حل و فصل موضوع در دولت فعلی مطمئن نبوده‌اند. هر چند آن طور که می‌گویند قائلند که بر این پارامترها هیچ کنترلی ندارند و بنابراین سرمایه‌گذاری نخواهند کرد اما در واقع هم نسبت به حواشی موضوع آنگاهد و هم به دنبال اطمینان از واقع‌بینانه بودن دریافت‌شان از ایران هستند.

از سوی دیگر ایران با افزایش هزینه سیاسی بایدن در این تاخیر و تأنی انرژی این سیستم را بالا برده و تلاش می‌کند تا هم سرعت را بالا ببرد و هم بایدن و تیمش را از هر گونه درخواست جدید برای بازگشت به برجام

خلیل قلخانباغ

جو بایدن، رییس جمهور جدید آمریکا که بیش از پنج هفته است وارد کاخ سفید شده اما هنوز به برنامه جامع اقدام مشترک بین ایران و شش قدرت جهانی بازنگشته است. این در حالی است که در دوران مبارزات انتخاباتی بارها از بازگشت به برجام سخن به میان آورده بود و همچنین در دورانی که برجام به انقضای رسید، بایدن معاون رییس جمهور آمریکا بود. حال این سوال مطرح است که چرا هنوز رییس جمهور جدید آمریکا به توافق هسته‌ای بازنگشته است؟ در پاسخ به این سوال می‌توان چند دلیل را مطرح نمود که در ادامه و در این تحلیل کوتاه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

الف- یکی از دلایل اصلی عدم بازگشت بایدن به برجام تاکنون، علاقه رییس جمهور جدید ایالات متحده و تیم همراه او و خصوصاً جک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا، به بازسازی تحریمی ایجاد شده در دوران ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران است. گرچه فشار حداکثری تحریمی در چندسال گذشته به نتیجه دلخواه در قبال تهران نرسید، اما جو بایدن علاقه چندانی به بازبین بردن بازسازی تحریمی ایجاد شده ندارد؛ زیرا این زیرساخت‌هایی می‌توانند برای فشار به ایران به عنوانی مختلف و در برهه‌های گوناگون مورد استفاده قرار گیرند؛

ب- نگاه بایدن به مسائل ایران بر خلاف اواما، پیش بر دن همه پرونده‌ها به صورت همزمان است، تیم همراه بایدن بر این عقیده هستند که می‌بایست همه پرونده‌های مهم بین تهران و واشنگتن از قبیل صلح خاورمیانه، نفوذ منطقه‌ای ایران، پرونده موشکی و هسته‌ای به صورت همزمان حل و فصل شوند، لذا اکثر تحریم‌های وضع شده در دوران ترامپ خواهد در قبال برگشت تعهدات برجامی ایران بر داشته شوند. نگاه دستان ایالات متحده در خصوص دیگر پرونده‌ها با تهران خالی است و مابقی بازی برای درخواست و فروش به ایران وجود نخواهد داشت و این مسئله باعث ترغیب ایران در دیگر پرونده‌ها برای دادن امتیاز نخواهد شد و لذا تیم همراه بایدن علاقه چندانی به لغو کامل و یکپارچه تحریم‌های وضع شده در دوران ترامپ را ندارند و به همین خاطر فعلا سیاست دفع‌الوقت را در پیش گرفته‌اند تا ایران به خاطر فشار تحریم‌های موجود، راضی به برداشته شدن تحریمی آنها باشد و از سوی



چه موانعی در مسیر تصمیم گیری فوری بایدن در مورد ایران قرار دارد

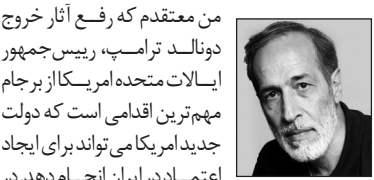
راه بازگشت

و لغو تحریم‌ها منصرف کند. دو هدفی که می‌توان گفت اگر در مورد اولی کامیابی نسبی حاصل شده در خصوص هدف دوم به کمال تحقق یافته است: امروز ما هیچ شرط جدیدی را از تیم بایدن و شخص او نمی‌شنویم. به هر حال آنچه امروز در دو طرف اصلی این داستان یعنی ایران و آمریکا دیده می‌شود دولت‌های دو طرف تا حدی شرایط مشابهی دارند: هر دو انگیزه کافی برای بازگشت به برجام و اجرای تعهدات دارند چرا که این توافق را علاوه بر موضوعات رسمی دستاورد خط سیاسی خود می‌دانند و ضمناً هر دو در این مسیر موانع داخلی را از سوی مخالفان توافق که عمدتاً از سوی مخالفان هستند پیش رو دارند و ضمناً هر دو از سر نوشت اجرای یکسویه توافق و باز تولید مساله از سمت دیگر و در نتیجه به خطر افتادن شان در سیاست داخلی نگرانند.

اما آنچه در خلال این چند هفته به‌رغم بارهای حدس‌ها و بدبینی‌ها شاهد بوده‌ایم اراده سیاسی دو طرف در بازگشت به توافق بدون پیش‌شرط است. ضمن آنکه اگر از اظهارات و مواضع که گاه مخاطب داخلی دارند و گاه خارجی به اعمال طرفین نگاه کنیم این اراده سیاسی را از میان خرده اعمال ایشان می‌توان با وضوح بیشتری پیدا کرد. در واقع اگر چه دولت ایالات متحده در موضع گیری کمتر به موضوع ایران پرداخته و تنها برای مدتی نسبت به اتخاذ اظهار موضع در خصوص فتح باب عمل به تعهدات سخن گفته است اما اعمال غیرمستقیم دولت جدید در واشنگتن بیشتر از اظهارات مستقیم به نظر می‌رسند؛ فاصله گرفتن معنادار از

اسرائیل و قرار دادن اولویت تماس بانائتایهو در انتهای لیست که حالی از معنا نبود، موضع گیری در خصوص جنگ یمن، خارج کردن حوثی‌ها از لیست تروریسم و در انزوا قرار دادن عربستان در این موضوع، اجتناب از شتابزدگی در موضوعاتی نظیر پروتکل الحاقی که در ایران پیش می‌آیند، برداشتن گام‌های کوچک و بیشتر نمادین مانند سند گرفتن ادعای شکست خورده ماشه‌ها سازمان ملل متحد، نفوذ محدودیت‌ها بر تیم نمایندگی ایران در نیویورک و حالا تلاش برای تریب‌آذغان از راه‌هایی نظیر مذاکرات حاشیه‌ای همچون موضوع تبادل زندانیان و کاهش فشار بر بهکاران به ایران- کره جنوبی و ژاپن- در پرداخت معوقات شان مصداق این معنا هستند.

در سوی دیگر ماجرا یعنی ایران نیز دولت با ابتکارانی تاکنون توانسته به‌رغم بالا بردن انرژی سیستم‌از بالا رفتن سطح تنش و «خراب شدن آنچه هنوز ساخته نشده» جلوگیری کند که مهم‌ترین مورد آن توافق ایران با ژانسی در خصوص لغو اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی بود که از افزایش بی‌محابای هزینه سیاسی ایران جلوگیری کرد؛ این توافق مصداقی کلاسیک برای درس مهمی در دیپلماسی بود یعنی خلق یک گزینه به جای انتخاب بین گزینه‌های موجود. آنچه ما ضمن طراحی‌های سیاسی خود باید انجام دهیم اولاً اجتناب از افزایش سطح تنش است. دیگر آنکه به هیچ روی نباید اجازه داد (به سبب سیاقی آنچه در غیرمستقیم دولت جدید در واشنگتن بیشتر از اظهارات مستقیم به نظر می‌رسند؛ فاصله گرفتن معنادار از



نصرت‌الله تاجیک

من معتقدم که رفع آثار خروج دونالد ترامپ، رییس جمهور ایالات متحده آمریکا از برجام مهم‌ترین اقدامی است که دولت جدید امریکا می‌تواند برای ایجاد اعتماد در ایران انجام دهد. در حقیقت لغو تحریم‌های امریکا علیه تهران، بخشی از رفع آثار خروج ترامپ از برجام است، بخشی دیگر از این آثار مرتبط به خسارت‌هایی است که به اقتصاد و مردم ایران وارد شده است. در نتیجه بازگشت امریکا به برجام، بدون رفع آثار خروج ترامپ از این توافق نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه مضر هم هست. بعد از انقلاب بیش از ۴۰ سال است که بر اساس تحریم‌های مختلف از جانب امریکا، مردم ایران آسیب‌های فراوانی دیده‌اند، اما آنچه در دوران اخیر، به ویژه بعد از اقدام ناخردانه ترامپ برای خروج از برجام، اقتصاد ما که یکی از زوئنه‌های اقتصاد منطقه است، آسیب‌های شدیدی دیده به ویژه اینکه تحریم‌های هوشمندی که در این دوران اعمال شد عملاً مصرف‌کنندگان نهایی و شهروندان عادی را هدف می‌گرفت. در خیلی از موارد امریکایی‌ها «شاید» راست می‌گفتند که دارو قانوناً جزو تحریم‌ها نیست، اما وقتی امکان جابه‌جایی پول خرید دارو و نظام مالی بین‌المللی وجود نداشت یا شرکت‌های تولیدکننده و توزیع‌کننده دارو از تعامل با ایران می‌ترسیدند، عمل‌لادارو هم در چارچوب تحریم‌ها قرار گرفته بود. ایران در این دوران ضررهای بسیاری دید، چه به لحاظ مالی و اقتصادی و چه به لحاظ انسانی و اجتماعی. در نتیجه جبران این ضرر‌ها، گام لازم، ضروری و مهمی برای بازسازی اعتماد در تهران است.

به اعتقاد من، همه مشکلات ماسایست خارجی نیست و همه مشکلات سیاست خارجی ما برجام نیست مشکلات کشور و مشکلاتی که مردم با آن مواجه هستند، بخشی به داخل برمی‌گردد، سوءمدیریت، مسائل سیاسی، اقتصاد سیاسی و وابستگی بیش از حد به نفت، فساد، بوسیدگی نظام اداری کشور که به شدت از شرایط متحول جامعه امروز ایران عقبمانده است، مشکلاتی هستند که در داخل باید حل و فصل شود. از سوی دیگر بخشی از مشکلات هم به سیاست خارجی بازمی‌گردد که باز هم هنوز اجرایی نشده بود و بنابراین مذاکره‌ای تنها برای اجرایی کردن توافق در ژانویه ۲۰۱۶ انجام شد؛ گویی که به‌رغم اراده سیاسی همه طرف‌ها برای اجرایی شدن برجام که وجه توافق امروز و آن دوران است بی‌اعتمادی بیشتری به خصوص از سوی ایران نسبت به امریکا وجود دارد.

اما در عین حال امروز نیز یکی از مواردی که می‌توان به عنوان تعطف از آن استفاده نمود این واقعیتی که در همین پذیرش شرکت در جلسه ۴+۱ و ایران با حضور امریکای عنوان مهمان به منظور تهیه جدول زمان‌بندی اقدامات متقابل است که با هیچ‌یک از مواضع اصولی اعلام شده در تواف و تناقض نیست. چرا که ما تنها نباید اصول را نقض کنیم و بنابراین هر امکان و راه‌حلی که با مواضع اصولی و نیز مصالح کشور در تناقض نباشد استفاده از آن عقلاً لازم است؛ اینکه بخواهیم صبر کنیم تا نظم و معاللات به سمتی روند که مطلوب ما باشند و بعد در آن وارد شویم یا واقعگرایی به دور است نهایی می‌تواند شرایط ما را پیچیده‌تر کند.

دانش آموخته دکتری فلسفه سیاسی در دانشگاه تهران

بازیگری مسوولانه ایران در برجام

است، همین اقدام اخیر برای تفاهم با ژانسی در سفر ارفائل گروسی، مدیر کل ژانسی بین‌المللی انرژی اتمی به تهران نشان داد که عزم ایران این است که سازو ساختار برجام برپا بماند و هدف این است که همه طرف‌ها بتوانند از منافع این سازو این ساختمان استفاده کنند.

ایران در زور آزمایی و توازن برجام به نقطه خوبی رسیده است، اینکه ایران هم مصوبه مجلس را اجرامی کند و هم تعهدات فریادمانی را امتوقف کرده و هم اجازه داده است که روابط با ژانسی تلخ نشود، از نقاط قوت عملکرد مورد اجرائی کامل تعهدات برجامی در ژانسی داشتیم. این گزارش‌ها نشان داد که ایران به تعهدات خود پایبند است، این را جهانیان هم متوجه شدند. به تازگی از فر مانده نیروی سنتکام امریکا نقل شده بود که ایران قصد دارد «یک بازیگر مطلوب» در منطقه باشد. این اظهارات اگر درست نقل شده باشد به این معناست که ایران توانسته با عملکرد خود، حتی دشمنانش را قناع کند که نمی‌توانند

منافع او را در منطقه نادیده بگیرند.

ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای متولد شده است و امروز نوبت آن است که دیگر کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی، این قدرت را به رسمیت بشناسند. آنچه باعث روبرویی و نقد ما می‌شود عملکرد امریکایی در سال‌های اخیر بود، این است که واشنگتن قصد ندارد قدرت منطقه‌ای ما را به رسمیت بشناسد و نمی‌خواهند

ما به ازای آن را به ایران بدهند. رفتار امریکا دقیقاً خلاف واقعیت میدانی در منطقه است، از برجام خارج می‌شود، قلدر مایانه اجرایی قطعنامه ۲۳۳۱ را متوقف می‌کند. (متاسفانه شورای امنیت هم به راحتی غرض عین می‌کند و واکنشی به عدم اجرای قطعنامه‌اش نشان نمی‌دهد، در حالی که اگر به جای امریکا یک کشور جهان سومی چنین اقدامی در نقض یک قطعنامه انجام داده بود، بیچاره‌اش می‌کردند)

من معتقدم که ما تا به امروز در مقابل فشارهای امریکا خوب بازی کرده‌ایم و در موقعیت خوبی ایستاده‌ایم. بر خلاف ادعای گروهی، امروز ایران گوشه رینگ گیر نیفتاده است، در جایگاهی است که می‌تواند با اهرم‌هایش، به خوبی بازی کند. ایران در تفاهمی که با ژانسی داشت، از یک سو مصوبه مجلس را به عنوان یک گام تقابلی برای کاهش تعهدات و توقف اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی اجرا کرده است و از سوی دیگر این پیام را به جهانیان مخابره کرد که ایران خواهان به هم ریختن همه منجرانها نیست. ایران نشان داد که قصد دارد به عنوان یک عنصر مسوول و بازیگر شناخته شود و خوش استیفا شود. این اقدام‌ها نشانده بازیگری عقلانی و هوشیارانه است.

ما اعتقاد داریم که ما نباید تلاش کنیم به دلیل ساختار دولت جو بایدن، از ظرفیت‌های موجود برای تعامل مستقیم استفاده کنیم. تکیه به اروپا اینکه استفاده از ظرفیت‌های کشورهای دیگر همچون قطر یا عمان، دیگر کارایی ندارد. پیام آوردن و بیان پیام یک بحث است، اما اینکه بخواهیم با یک قدرت برتر اقتصادی، سیاسی و نظامی در جهان سنگ‌های مان را او بکنیم و مسائل مان را حل کنیم، میحت متفاوتی است. امروز این ظرفیت وجود دارد که به تعامل مستقیم فکر کنیم، چرا که از منظر امنیت ملی حل کردن مشکلات با امریکا برای ما منفعت دارد. من تصور می‌کنم که روبرویی‌ها و یگو مگوهای ما با امریکاد در حال رسیدن به آن چیزی است که در اقتصاد به آن «بازنزولی» می‌گویند. در علم اقتصاد گفته می‌شود

برای تولید سقف مشخصی سرمایه، نیروی انسانی و مواد اولیه نیاز است، اگر حجم این متغیرها به شکل چشمگیری افزایش پیدا کنند، از آن‌ها محصول افزایش پیدا نمی‌کند. به این وضعیت قانون باز نزولی گفته می‌شود. الان حجم روبرویی‌های امریکا و ایران هم در حال افزایش چشمگیری به این نتیجه است. ما اگر قرار باشد در مدت این روبروکردن را ادامه دهیم، حتی از رقبای منطقه‌ای مان هم عقب می‌افتیم.

متاسفانه نطفه انگلی توسعه کشور به هر دلیلی به حل مسائل میان ایران و امریکا وصل شده است. در نتیجه لازم است در این دوره تلاش شود که هم مادی و هم برجام برای ما نافع باشد، آن را رسر یا بکنیم و هم به دنبال این باشیم که مسائل مان را با امریکا حل و فصل کنیم. در مورد جو بایدن، اندکی باید شکیبایی کرد. دولت بایدن اولویات متعدد و متنوعی چه در زمانی داخلی و چه در سیاست خارجی دارد و حتی زمانی که به پرونده ایران می‌رسد، نباید انتظار داشته باشیم حق کاملی در این مسائل را حل و فصل کند. این حق ما است که تا زمانی که احساس نکنیم آثار خروج ترامپ از برجام حل نشده است، نباید روی خوش نشان دهیم. به اعتقاد من در اجرای دعوت اروپا برای گفت‌وگو میان اعضای باقیمانده برجام و امریکا، اگر قرار باشد چنین نشست رسمی باشد، ایران نباید تا زمان رفع کامل آثار خروج امریکاز برجام، از حضور در چنین گفت‌وگویی استقبال کند. اما اگر چنین نشستی قرار باشد به صورت غیررسمی باشد، ایران باید از فرصت استفاده کند تا خواسته‌ها و مطالبات بحق خودش را برای طرف مقابل مطرح کند.



چرا هنوز بایدن به برجام بازنگشته است؟

برای پیشران‌ها در نشست با اعضای مجلس خبرگان رهبری در چهارم اسفند کرد در همین راستا ارزیابی را در کسای خیل طرف‌های غربی به صورت کامل از این موضوع یعنی گریز هسته‌ای راحت نباشد.

دلیل دیگر را در نوع نگاه دموکرات‌ها به مسائل داخلی ایران ارزیابی کرد. گرچه جمهوری خواهان و خصوصاً ترامپ تیم همراه او تفاوت چندانی برای جناح‌ها و گروه‌های مختلف در ایران قائل نبودند، اما سوءمکرات‌ها بر خلاف جمهوری خواهان در این حوزه تمایز قائل هستند و دولت حکومت ایران را شبیه توبیلیبار فرض نکرده و به دنبال تأثیرگذاری بر تحولات و موضوعات داخلی ایران هستند و این موضوع زمانی بر جسته‌تر می‌شود که زمان چندانی تا انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری در ایران باقی نمانده و بایدن و تیم همراه او نیز بهنگاهی نیز به این انتخابات خواهند داشت. خصوصاً آنکه قانون برجامی مجلس است که در آذر ماه به تصویب رسید و ممکن است از این قانون برداشت‌های جناحی و حزبی صورت گیرد. لذا بایدن بر این عقیده است که هرگونه اقدام او در خصوص لغو تحریم‌های وضع شده در دوران ترامپ ممکن است به حساب یک جناح در ایران واریز شده و در نتیجه انتخابات تأثیر گذار باشد.

دلیل دیگر اینکه، زمان گریز هسته‌ای ایران هنوز به مرحله حساسی نرسیده است که ایالات متحده را نگران کند. گرچه هسته‌ای جایگاهی در دکتترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران ندارد و مقام معظم رهبری نیز بارها به این مورد اشاره کرده و آخرین آنها در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در چهارم اسفند ماه سال جاری بوده است، اما کاهش زمان گریز هسته‌ای موضوعی است که ایالات متحده را نگران خواهد کرد و حاضر است که به خاطر این موضوع اقدامات عاجلی از قبیل لغو تحریم‌های وضع شده در دوران ترامپ را در دستور کار خویش قرار دهد. زیرا طبق برجام و از زاویه دید غربی‌ها زمان گریز هسته‌ای قریب یک سال بوده که این زمان فرصت لازم را در اختیار غربی‌ها در صورت اقدام خلاف برجامی ایران برای هرگونه اقدام احتمالی قرار می‌دهد. لذا گرچه ایران در چندین مرحله و پس از صبر استراتژیک یک‌ساله خود پس از خروج ترامپ از برجام، کاهش تعهدات برجامی انجام داد، اما زمان گریز هسته‌ای را چندان کاهش نداده و نگرانی جدی را در غربی‌ها ایجاد نکرده است؛ زیرا توانایی ساخت سلاح هسته‌ای توسط تهران یکی از خطوط قرمز جدی غرب و ایالات متحده بوده است. شاید بتواند اظهارنظر مقام معظم رهبری به نیاز ایران به غنی‌سازی، یک‌صدی در آینده